

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه جلسه گذشته

در جلسات گذشته به مدلول آیه شریفه سوره جمعه پرداخته شد و در پایان به جمع بندی و بیان قول مختار رسیدیم که «إِذَا نُودِيَ» کنایه از دخول وقت است، همچنین «فَاسْعَوْا» ظهور در وجوب دارد و سعی در آیه نیز صرفاً به عنوان مقدمه و تأکید بر اهتمام به نماز ذکر شده است، نه اینکه خود سعی موضوعیت مستقل داشته باشد.

در مطلب دیگری تصریح کردیم که از ظاهر آیه «إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ» نمی توان اصل تشریع وجوب نماز جمعه را استفاده کرد؛ زیرا ذکر خصوصیت مانع از اطلاق و تأسیس حکم کلی است. برخلاف دیدگاه مرحوم حائری که آیه را در مقام تشریع دانسته، نظر صحیح آن است که آیه ناظر به نماز جمعه ای است که تشریع آن پیش تر ثابت شده و صرفاً وجوب سعی و ترک بیع را در هنگام وقت نماز متذکر می شود. بنابراین، آیه نه در مقام تشریع وجوب نماز جمعه است و نه حتی در مقام تأکید بر آن، بلکه صرفاً ناظر به شرایط اقامه نماز جمعه می باشد.

در پایان به این نکته تأکید کردیم که یکی از نتایج اساسی این بحث آن است که اغلب آیات قرآن در مقام بیان اصل حکم اند نه در مقام اطلاق. نمونه هایی همچون آیات صید، زکات و قصاص نشان می دهد که قرآن غالباً در مقام تشریع کلی است و بیان جزئیات و قیود به سنت واگذار شده است. بر این اساس، آیه «إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ» نیز نه در مقام تشریع اصل وجوب است و نه اطلاقی از آن استفاده می شود. نهایتاً می توان گفت این آیه صرفاً بر اصل وجوب نماز جمعه دلالت دارد، بی آنکه متعرض قیود و خصوصیات آن شود.

کلام صاحب جواهر در بررسی مدلول آیه شریفه

اختصاص «ندا» در آیه به ندای سلطان حق

صاحب جواهر در مواردی سخن خویش را با تعبیر «قد یقال» آغاز می کند. در این موارد، اگر پس از طرح مطلب به نقد و رد آن نپردازد، روشن می شود که آن را پذیرفته است. ایشان در ذیل آیه شریفه می فرماید که گفته شده است این آیه بر آن دلالت دارد که هرگاه ندا از سوی سلطان صادر شود، شرکت در نماز جمعه واجب است؛ زیرا تعبیر «إِذَا نُودِيَ» متضمن این پرسش است که منادی چه کسی است؟ و ظاهر آن است که منادی یا خود سلطان است یا کسی که از جانب سلطان منصوب شده است. بنابراین نتیجه گرفته اند که از لفظ «نُودِيَ» استفاده می شود که ندا باید از جانب سلطان باشد، و بر این اساس گفته اند اگر ندا از سوی سلطان صادر شود - و مقصود از آن سلطان حق باشد - وجوب سعی بر مردم ثابت می شود.

سابقه تاریخی نیز بر همین معنا دلالت می کند؛ چنان که در زمان رسول اکرم (ص) ندای نماز جمعه یا از ناحیه خود ایشان یا از جانب منصوبان آن حضرت، صادر می شده است. در دوره خلفای بعد نیز همین روش استمرار یافت، و در حکومت های اموی و عباسی نیز بر همین منوال بود. در عصر غیبت نیز در هر موردی که اقامه ای صورت گرفته، از سوی حاکمان بوده است. در زمان حاضر نیز ندا به دست ولی فقیه که حاکم نظام اسلامی است انجام می گیرد، و اگر فقیهی مستقلاً اقدام به اقامه نماز جمعه

کند، او نیز در حکم حاکم به شمار می‌آید.

صاحب جواهر در ادامه می‌گوید که ممکن است کسی اشکال کند که «إِذَا نُودِيَ» مطلق است و آیه دلالتی بر اختصاص ندا به سلطان ندارد. در پاسخ باید گفت: اگر سلطان جائز باشد، اساساً شرکت در نماز جمعه‌ای که او اقامه کند جایز نیست؛ اما این تنها مورد استثناست و سایر موارد را شامل نمی‌شود. بر این اساس، اگر در زمان غیبت مؤذن یک روستا اذان نماز جمعه بگوید، ظاهر اطلاق «فاسعوا» وجوب سعی را اثبات می‌کند. با این حال، صاحب جواهر این برداشت را نادرست می‌داند و تصریح می‌کند که ما به‌طور قطعی می‌دانیم چنین اطلاقی اراده نشده است. این از مواردی است که قطع، مانع انعقاد اطلاق می‌شود.

ایشان منشأ این قطع را تبیین نمی‌کند، اما می‌توان گفت علت آن تفاوت ماهوی نماز جمعه با نماز جماعت است. نماز جمعه صرفاً یک عبادت فردی یا جمعی نیست، بلکه بُعد عبادی - سیاسی دارد و تحقق آن دست‌کم نیازمند اذن فقیه جامع‌الشرایط است. از این رو نمی‌توان گفت اگر مؤذن یک مسجد به تنهایی اذان نماز جمعه بگوید، وجوب نماز جمعه بر همگان ثابت می‌شود. چنین برداشتی به طور مسلم مراد شارع نبوده است. [1]

احتمال سوم در معنای «اذا نودی»

صاحب جواهر بر این باور است که آیه شریفه تنها بر وجوب سعی در فرض انعقاد نماز جمعه دلالت دارد؛ بدین معنا که هرگاه نماز جمعه بالفعل تشکیل شد، مکلفان موظف‌اند به سوی آن بشتابند. در مقابل، کسانی که از آیه وجوب تعیینی نماز جمعه حتی در عصر غیبت را استظهار کرده‌اند، چنین ادعا دارند که آیه متعرض وجوب عقد نیز هست و اگر نماز جمعه منعقد نشده باشد، مکلف باید مقدمات تشکیل آن را فراهم کند و دیگران را گرد آورد تا نماز جمعه اقامه شود. حال آن‌که از آیه چنین مطلبی استفاده نمی‌شود؛ زیرا مفاد آیه صرفاً این است که با تحقق انعقاد نماز جمعه، وجوب سعی به دنبال می‌آید و هیچ دلالتی بر ایجاب عقد ندارد. [2]

دیدگاه مختار ما آن بود که از آیه اساساً تشریع جدید استفاده نمی‌شود و آیه در مقام بیان تشریع نیست. همچنین در نقد این برداشت که آیه بر وجوب سعی مشروط به انعقاد دلالت دارد، گفته شد قرینه‌ای وجود ندارد که مراد از «نُودِيَ» همان «أُقِيمَت» باشد. به تعبیر مرحوم حائری، «إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ» اصلاً موضوعیت مستقل ندارد، بلکه کنایه از دخول وقت است. ظاهر آیه نیز صرفاً بیان دخول وقت نیست، بلکه اشاره به اذان مؤذن دارد. از این رو بسیاری از مفسران «نُودِيَ» را به معنای «أُذِّن» دانسته‌اند، یا دست‌کم آن را معادل با «دخول وقت» تفسیر کرده‌اند.

با این حال، با توجه به کلام صاحب جواهر می‌توان احتمال دیگری مطرح کرد. بر این اساس، مراد از «إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ» نه صرف اذان و نه کنایه از دخول وقت است، بلکه مقصود اعلام تحقق و برپایی نماز جمعه است. این اعلام غالباً با اذان صورت می‌گیرد، اما حقیقت آن، خبر دادن از برگزاری نماز جمعه است. بنابراین، معنای متبادر از «إِذَا نُودِيَ» چنین خواهد بود: «مردم! نماز جمعه‌ای برپا شده است، بیایید». در نتیجه، موضوع وجوب سعی تنها جایی است که نماز جمعه بالفعل منعقد شده باشد.

طبق این احتمال، برداشت قائلان به وجوب تعیینی که می‌گویند حتی اگر ندایی در کار نباشد، باید اقدام به تشکیل نماز جمعه کرد و افراد را برای انعقاد آن گرد آورد، با آیه ناسازگار است؛ زیرا آیه بر ایجاب عقد دلالت ندارد، بلکه صرفاً ناظر به وجوب حضور در نماز جمعه‌ای است که انعقاد آن محقق شده باشد.

مانعیت اجمال در برابر اطلاق از آیه نسبت به زمان حضور

صاحب جواهر در ادامه تصریح می‌کند که عبادت مورد اشاره در آیه، به عنوان «صلاة جمعه» به‌گونه‌ای مجمل مطرح شده

است. مقصود از این اجمال آن است که هرچند می‌دانیم آیه در مقام بیان نماز جمعه است، اما کیفیت آن به صورت مبهم بیان شده و روشن نیست که آیا شرط حضور معصوم (ع) در وجوب آن دخیل است یا خیر. آنچه به طور یقینی ثابت است، مشروعیت نماز جمعه در زمان حضور معصوم (ع) است؛ از این رو، آن مقدار از مشروعیت مسلم دانسته می‌شود و مازاد بر آن مشکوک خواهد بود.

در برابر این سخن، قائلان به وجوب تعیین نماز جمعه در عصر غیبت چنین استدلال کرده‌اند که ما در دخالت شرط حضور تردید داریم و باید به اطلاق آیه تمسک کنیم. توضیح آن که هرگاه شارع عبادتی را تشریع کند و نسبت به برخی از شرایط آن شک داشته باشیم، «اصالة الاطلاق» دلالت می‌کند که شرط مزبور لحاظ نشده است؛ بر همین اساس گفته‌اند حضور معصوم شرط وجوب نیست.

اما صاحب جواهر در مقام پاسخ می‌فرماید: آیه اساساً در مقام اجمال است، و شارع، از آغاز چنین بنایی نداشته که حکم این شرط را روشن کند. در جایی که دلیل در مقام اجمال باشد، اصولیان تمسک به «اصالة الاطلاق» را صحیح نمی‌دانند.[3]

عدم اجماع در شمول خطاب نسبت به زمان غیبت

مرحوم صاحب جواهر در بحثی دیگر متعرض این نکته می‌شود که ممکن است گفته شود: آیه «یا ایها الذین آمنوا» خطاب به مشافهین در زمان نزول است و اگر حکمی برای آنان تشریع شد، به مقتضای قاعده اشتراک احکام و اجماع، همان حکم برای سایر مکلفان در اعصار بعد نیز ثابت خواهد بود. ایشان در پاسخ بیان می‌کند: مشکل در اینجا آن است که اجماعی بر ثبوت حکم در زمان غیبت وجود ندارد تا بتوان به قاعده اشتراک تمسک کرد؛ بلکه برعکس، اجماع بر خلاف آن است. بنابراین، نه تنها اجماع بر شمول خطاب نسبت به زمان غیبت منعقد نشده، بلکه اجماع بر عدم شمول آن تحقق یافته است.[4]

مراد از ذکر الله در کلام فاضل هندی

نکته پنجم آن است که در جمله «فاسعوا إلى ذکر الله» احتمال داده شده مراد از «ذکر»، شخص رسول خدا (ص) باشد. در این زمینه روایات متعددی وجود دارد که «ذکر» به رسول اکرم (ص) تفسیر شده و در برخی روایات نیز اهل بیت (ع) فرموده‌اند: «نحن أهل الذکر». بنابراین، معنای عبارت چنین خواهد بود که «به سوی پیامبر بشتابید».

فاضل هندی در کشف اللثام این احتمال را تقویت کرده و می‌نویسد: اگر بگوییم مراد از «ذکر» رسول خداست، این معنا از آن که «ذکر» به نماز یا خطبه تفسیر شود، ظاهرتر است. وی تصریح می‌کند: «بل فيه أنك لا تضع إلى ما يدعی من إجماع المفسرين على إرادة أحدهما، خصوصاً إذا كنت إمامياً تعلم أنه لا إجماع إلا قول المعصوم»؛[5] یعنی اگر شنیدی که مفسران بر این معنا اجماع کرده‌اند که «ذکر» یا نماز است یا خطبه، اعتنایی به این سخن نکن؛ به ویژه اگر شیعه باشی و بدانی که اجماع تنها در صورتی حجت است که کاشف از قول معصوم باشد. بنابراین، صرف اتفاق نظر مفسران عامه یا خاصه در این باره، هیچ اعتباری ندارد.

ارزیابی

ارزیابی این دیدگاه آن است که ما با تفسیر «ذکر» به رسول خدا (ص) مخالفت داریم. نخست آن که روایاتی که «ذکر» را به پیامبر اکرم (ص) تفسیر کرده‌اند، مربوط به آیه «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ» است، نه آیه «فَاسْعُوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ». بنابراین، نمی‌توان گفت در ذیل این آیه نیز روایتی وجود دارد که دلالت بر چنین معنایی کند. دوم آن که حتی اگر در موارد دیگری از قرآن «ذکر» به معنای پیامبر آمده باشد، این امر ملازمه‌ای ندارد که در همه آیات، از جمله در این آیه، نیز همین معنا مراد باشد؛ پیش‌تر نیز این نکته توضیح داده شد.

افزون بر این، سیاق خود آیه نیز نشان می‌دهد که مراد از «ذکر» همان نماز است؛ زیرا پس از آن می‌فرماید: «فَإِذَا قُضِيَتْ

الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ». ظاهر آیه آن است که همان عبادتی که امر به سعی برای آن شده، وقتی به پایان رسید، اذن در اشتغال به امور دنیوی داده می‌شود. بر این اساس، تفسیر «ذکر» به نماز با سیاق آیه سازگارتر است و این برداشت تمام خواهد بود.

مراد از « الصلاة من يوم الجمعة » در کلام فاضل هندی

صاحب کشف اللثام احتمال دیگری را مطرح می‌کند و می‌گوید: آیه «إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ» ممکن است هم شامل نماز جمعه باشد و هم نماز ظهر؛ بلکه حتی نماز عصر را نیز در بر گیرد، زیرا نماز عصر نیز از نمازهای روز جمعه است. بنابراین، از کجا می‌توان با یقین ادعا کرد که مقصود آیه خصوص نماز دو رکعتی جمعه است؟ چه‌بسا مراد آن باشد که در روز جمعه، هنگامی که برای نماز ندا داده شد، به سوی آن بشتابید، خواه نماز ظهر باشد یا عصر. [6]

با این حال، این احتمال به‌روشنی خلاف ظاهر آیه است؛ زیرا سیاق و تعبیر خاص آیه به‌گونه‌ای است که اطلاق آن بر نماز ظهر و حتی نماز عصر بسیار بعید می‌نماید. ظاهر آیه اختصاص به همان نماز جمعه دارد و توسعه‌ی آن به سایر نمازهای یوم‌الجمعة با سیاق الفاظ آیه سازگار نیست.

دلالت سعی بر اجتماع

نکته بعدی مربوط به تعبیر «سعی» در آیه است. صاحب کشف اللثام تصریح می‌کند که وجوب سعی در آیه لزوماً دلالتی بر این معنا ندارد که سعی باید به صورت مجتمعاً تحقق یابد تا مصداق سعی باشد، بلکه عنوان سعی هم شامل صورت اجتماع می‌شود و هم صورت انفراد. به تعبیر دیگر، اگر پدری به فرزند خود بگوید «بر نماز ظهر جمعه سعی کن»، مقصود آن است که در انجام آن مبادرت و اهتمام بورزد، و از این تعبیر به هیچ‌وجه لزوم اجتماع و سعی دسته‌جمعی استفاده نمی‌شود.

صاحب جواهر از جمله فقهای است که در موارد بسیاری به آراء و تحلیل‌های صاحب کشف اللثام تکیه کرده است، به‌گونه‌ای که گفته‌اند اگر مطالب کشف اللثام از جواهر الکلام حذف شود، تقریباً یک‌سوم آن کاسته خواهد شد. با این حال، در خصوص بحث آیه «إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ» و تحلیل فاضل هندی مبنی بر عدم اختصاص آیه به نماز جمعه و عدم دلالت «سعی» بر اجتماع، صاحب جواهر تصریح می‌کند: «و فيه ما فيه»؛ یعنی این سخن پذیرفتنی نیست. وی تأکید دارد که آیه به‌طور خاص درباره نماز جمعه وارد شده و وجوب سعی نیز به معنای حرکت و شتاب به سوی اجتماع و حضور در نماز جمعه است، نه صرف مبادرت فردی. [7]

جبران ضعف دلالت آیه بوسیله عمل اصحاب

نکته هشتم، نکته‌ای علمی و تازه است که در کشف اللثام مطرح شده است. صاحب کشف اللثام می‌گوید: «أن الآية تجدي لو عمل بها أحد من الإمامية على إطلاقها». منظور او این است که اگر فقیهی به اطلاق یک آیه عمل کند، این عمل فرع بر آن است که پیش‌تر فقیهان دیگر نیز عمل مشابه کرده باشند. اما اگر کسی بخواهد به اطلاق آیه عمل کند بدون آن‌که پیشینه‌ای از عمل دیگران وجود داشته باشد، این عمل معتبر نیست.

وی سپس تصریح می‌کند که فقهای گذشته به اطلاق این آیه به ضرورت مذهب عمل نکرده‌اند. اگر بخواهیم به اطلاق عمل کنیم، معنای آن این خواهد بود که هرگاه کسی از فاسقین ندا داد، وجوب سعی تحقق می‌یابد؛ حال آن‌که به ضرورت مذهب، چنین اطلاقی اراده نشده است. بنابراین، معنای دقیق آیه چنین خواهد بود که وجوب سعی تنها هنگامی است که منادی «به حق» باشد.

صاحب کشف اللثام توضیح می‌دهد که مراد از «منادی به حق» کسی است که یا امام معصوم (ع) شخصاً اجازه داده یا کسی که از سوی امام اذن دارد. اما نمی‌توان گفت کسی که اذن خاص از امام ندارد، ولو فاسق هم نباشد، منادی به حق است و

وجوب سعي از آن استنباط شود. به عبارت دیگر، آیه دلالت بر وجوب سعي در چنین شرایطی نمی‌دهد و نمی‌توان از آن استفاده کرد. [8]

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پاورقی

- [1] « نعم قد يقال بإشعار الآية به ضرورة كون النداء إلى صلاة الجمعة لا يكون ظاهرا في سائر الأطراف إلا مع ظهور أمر السلطان، لا أن المراد وجوب السعي إليها مع التخفي في عقدها و التخافت في فعلها، فليس المراد حينئذ إلا ما ذكرنا، و دعوى إرادة مطلق النداء كائنا ما كان خرج منه ما خرج و بقي الباقي يدفعها القطع بعدم إرادة الإطلاق على هذا الوجه » (جواهر الكلام (ط. القديمة)، ج 11، ص 168).
- [2] « و من ذلك ما في الاستدلال بها على الوجوب العيني، مع أنه قد يقال بعد الأعضاء عما ذكرنا أنها إنما تدل على وجوب السعي إليها مع العقد لا إيجاب العقد أيضا الذي يدعيه القائل بالوجوب العيني » (همان، ج 11، ص 168).
- [3] « بل قد يقال لا يتم الاستدلال بها بناء على إجمال العبادة و شرطية ما شك فيه، إذ لم يثبت صلاة للجمعة إلا مع المعصوم (ع) و نائبه » (همان، ج 11، ص 168).
- [4] « بل قد يقال إنه خطاب للمشافهين و نداء لهم، و لفظ الماضي فيهم، و حكم غيرهم إنما يثبت بالإجماع و نحوه، و لا إجماع هنا على المشاركة، بل قد عرفته على خلافها، و إطلاق الخطاب بالنسبة إليهم يمكن لأنهم محروزون للشرط لا لعدم شرطيته » (جواهر الكلام (ط. القديمة)، ج 11، ص 168).
- [5] « و بعبارة أخرى إنما تدل الآية على وجوب السعي إذا نودي للصلاة، لا على وجوب النداء، و من المعلوم ضرورة من العقل و الدين أنه إنما يجب السعي إذا جاز النداء، و في أنه هل يجوز النداء لغير المعصوم و من نصبه؟ كلام على أن احتمال إرادة النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ من ذكر الله أظهر من احتمال إرادة الصلاة أو الخطبة. و لا تصح إلى ما يدعى من إجماع المفسرين على إرادة أحدهما، خصوصا إذا كنت إماميا تعلم أنه لا إجماع إلا قول المعصوم » (كشف اللثام عن قواعد الأحكام، ج 4، ص 206).
- [6] « مع أن الصلاة من يوم الجمعة بإطلاقها يعم الثنائية و الرباعية، بل الظهر و غيرها و السعي يعم الاجتماع و غيره » (كشف اللثام عن قواعد الأحكام، ج 4، ص 206).
- [7] « و كذا لا يتم بناء على إرادة الرسول من الذكر فيها كما هو مذكور في أخبار كثيرة عن أهل البيت (عليهم السلام) «إن الذكر رسول الله (صلى الله عليه وآله) و نحن أهل الذكر معاشر أهل بيت رسول الله (صلى الله عليه وآله)» بل في كشف اللثام أنه أظهر من احتمال إرادة الخطبة أو الصلاة، بل فيه أنك لا تضع إلى ما يدعى من إجماع المفسرين على إرادة أحدهما، خصوصا إذا كنت إماميا تعلم أنه لا إجماع إلا قول المعصوم، ثم قال: «مع أن الصلاة في يوم الجمعة بإطلاقها تعم الثنائية و الرباعية بل الظهر و غيرها، و السعي يعم الاجتماع و غيره» و إن كان فيه ما فيه. » (جواهر الكلام (ط. القديمة)، ج 11، ص 168-169).
- [8] «بل في كشف اللثام ما حاصله «أن الآية تجدي لو عمل بها أحد من الإمامية على إطلاقها، و ليس كذلك ضرورة من المذهب فلا قائل منا بأن منادي «يزيد» و أضرا به إذا نادى إلى صلاة الجمعة وجب علينا السعي و إن لم ننتقه، و لا منادي أحد من فساق المؤمنين، فليس معنى الآية إلا أنه إذا نادى لها مناد بحق فاسعوا إليها و كون المنادي أذن (بإذن خ ل) الامام له بخصوصه مناديا بحق ممنوع فلا يعلم الوجوب فضلا عن العيني، و بعبارة أخرى إنما تدل الآية على وجوب السعي إذا نودي للصلاة لا على وجوب النداء، و من المعلوم ضرورة من العقل و الدين أنه إنما يجب السعي إذا جاز النداء، و في أنه هل يجوز النداء لغير المعصوم و من نصبه؟ كلام» » (همان، ج 11، ص 169).

منابع

صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، جواهر الكلام (ط. القديمة)، بيروت، دار إحياء التراث العربي، بی‌تا.
فاضل هندی، محمد بن حسن، كشف اللثام عن قواعد الأحكام، قم - ایران، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، 1416.